سرآمد اقتصاد

سه شنبه- ۳ آذر ۱۴۰۵- سال دوازدهم- شماره ۲۶۴۳

گفت وگو

معاون صید و بنادر ماهیگیری سازمان شیلات ایران به سرآمد می گوید:

نمایشگاه شیلات؛ فرصتی برای معرفی فناوری‌های نوین و توسعه صادرات محصولات دریایی



معاون صید و بنادر ماهیگیری سازمان شیلات ایران، نمایشگاه بین‌المللی شیلات را فرصتی برای توسعه تعاملات تخصصی، معرفی ظرفیت‌ها و دستاوردهای صنعت شیلات و انتقال فناوری‌های نوین دانست و گفت: برگزاری این نمایشگاه در سال‌های اخیر نقش مؤثری در ارتقای فناوری صید، نوسازی ناوگان صیادی و توسعه صادرات محصولات دریایی داشته است.

عطاالله رئیسی در گفت‌وگو با اقتصاد سرآمد با اشاره به اهمیت برگزاری نمایشگاه بین‌المللی شیلات اظهار کرد: نمایشگاه باید به‌عنوان فرصتی مهم برای توسعه تعاملات تخصصی، معرفی ظرفیت‌ها و دستاوردهای صنعت شیلات کشور و ایجاد ارتباط مؤثر میان فعالان این حوزه مورد توجه قرار گیرد.

معاون صید و بنادر ماهیگیری سازمان شیلات ایران، افزود: برگزاری این رویداد در دوره‌های مختلف، دستاوردهای مهمی برای صنعت شیلات کشور به همراه داشته است؛ یکی از مهم‌ترین نتایج آن، انتقال فناوری‌های نوین در حوزه صید و بهره‌گیری از دانش و تجربیات کشورهای پیشرو در این صنعت است.

وی با اشاره به تغییر رویکرد در بهره‌برداری از گونه‌های مختلف آبزیان تصریح کرد: در سال‌های گذشته برخی گونه‌های ماهی به دلیل نداشتن بازار مصرف، دورریز محسوب می‌شدند، اما امروز با توسعه فناوری‌های فرآوری و ایجاد بازارهای جدید، همین محصولات در کشورهای مختلف از جمله هند، چین، تایوان، تایلند، مالزی و ژاپن مورد توجه قرار گرفته و حتی پیش‌خرید می‌شوند؛ این تحول حاصل توسعه فناوری‌های نوین صید و تغییر نگاه به ظرفیت‌های منابع آبزی است.

رئیسی در ادامه گفته های خود خاطرنشان ساخت: نمایشگاه شیلات این فرصت را فراهم می‌کند تا صیادان و فعالان این صنعت با فناوری‌ها و روش‌های جدید آشنا شوند و ظرفیت‌های موجود برای توسعه فعالیت‌های اقتصادی و صادراتی را بهتر بشناسند.

وی توسعه صنایع تولید شناور، معرفی ابزار و ادوات تخصصی صید، نوسازی ناوگان صیادی و ارتقای بهره‌وری عملیات صید را از دیگر محورهای مهم این رویداد برشمرد و گفت: برای نمونه، تا حدود ۱۰ سال پیش صید با قلاب در برخی بخش‌های ناوگان صیادی کشور جایگاه چندانی نداشت، اما امروز توسعه این روش، امکان عرضه ماهی تازه‌خوری با کیفیت بالاتر را فراهم کرده است؛ این محصولات از نظر کیفیت و ارزش صادراتی نیز تفاوت قابل توجهی با محصولات حاصل از روش‌های سنتی صید دارند.

معاون صید و بنادر ماهیگیری سازمان شیلات ایران با اشاره به تحولات ناوگان صیادی کشور بیان کرد: طی سال‌های اخیر، بخشی از ناوگان سنتی به سمت صنعتی‌شدن حرکت کرده است؛ افزایش قدرت موتور، بهبود ابعاد و ساختار شناورها و ارتقای استحکام آنها از جمله اقداماتی بوده که امکان حضور ایمن‌تر و مؤثرتر شناورها در آب‌های فراساحلی و افزایش مدت فعالیت صیادی در طول سال را فراهم کرده است.

«سرآمد» گزارش می‌دهد؛

«مناطق آزاد» حلقه مفقوده قدرت اقتصادی ایران



گروه راهبردی -مرتضی فاخری - قدرت راهبردی کشورها صرفاً با برخورداری از توان دفاعی، موقعیت جغرافیایی یا ظرفیت‌های سیاسی سنجیده نمی‌شود؛ بلکه میزان توانایی آن‌ها در تبدیل این مؤلفه‌ها به منافع اقتصادی، تجاری و سرمایه‌ای نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در جایگاه بین‌المللی آن‌ها دارد. در جهان امروز، قدرت اقتصادی و قدرت ژئوپلیتیکی بیش از هر زمان دیگری به یکدیگر وابسته شده‌اند و کشورهایی می‌توانند از موقعیت راهبردی خود بهره‌برداری بلندمدت کنند که قادر باشند ظرفیت‌های جغرافیایی، زیرساختی و انسانی را در قالب شبکه‌ای منسجم از تولید، تجارت، حمل‌ونقل و سرمایه‌گذاری سازمان‌دهی کنند. از این منظر، مناطق آزاد تجاری-صنعتی برای ایران صرفاً محدوده‌هایی با مقررات اقتصادی متفاوت نیستند، بلکه می‌توانند به یکی از ابزارهای اصلی پیوند دادن موقعیت ژئوپلیتیکی کشور با قدرت اقتصادی تبدیل شوند.

ایران از مزیت‌های جغرافیایی کم‌نظیری برخوردار است. قرار گرفتن در مسیر ارتباطی شرق و غرب، دسترسی به خلیج فارس، دریای عمان و دریای خزر، همسایگی با ۱۵ کشور و نزدیکی به بازارهای بزرگ مصرف و تولید، ظرفیت قابل توجهی برای توسعه تجارت منطقه‌ای ایجاد کرده است. با این حال، برخورداری از چنین موقعیتی به‌خودی‌خود به معنای کسب درآمد، جذب سرمایه یا افزایش سهم کشور از تجارت بین‌المللی نیست. مزیت جغرافیایی زمانی ارزش اقتصادی پیدا می‌کند که به زیرساخت مناسب، مقررات قابل پیش‌بینی، نظام اداری کارآمد و شبکه حمل‌ونقل پیوسته متصل شود. در غیر این صورت، مسیرهای ترانزیتی کشور ممکن است صرفاً محل عبور کالا باقی بمانند، بدون آنکه ارزش افزوده قابل توجهی در اقتصاد داخلی ایجاد کنند.

در چنین شرایطی، مناطق آزاد می‌توانند نقش حلقه واسط میان ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی و منافع اقتصادی را ایفا کنند. فلسفه شکل‌گیری این مناطق، ایجاد محیطی متفاوت از ساختار اداری و تجاری سرزمین اصلی برای تسهیل سرمایه‌گذاری، توسعه صادرات، انتقال فناوری، افزایش تولید و گسترش مبادلات بین‌المللی است. مناطق آزاد موفق در جهان، صرفاً به دلیل برخورداری از معافیت‌های مالیاتی یا تسهیلات گمرکی به جایگاه اقتصادی دست نیافته‌اند؛ بلکه مجموعه‌ای از عوامل شامل مدیریت متمرکز، ثبات مقررات، دسترسی به زیرساخت‌های حمل‌ونقل، ارتباط مؤثر با بازارهای پیرامونی و سرعت در ارائه خدمات اداری، زمینه رشد آن‌ها را فراهم کرده است. بنابراین، مسئله اصلی مناطق آزاد ایران، صرفاً افزایش تعداد این مناطق یا گسترش محدوده جغرافیایی آن‌ها نیست، بلکه بازنگری در مأموریت، ساختار حکمرانی و شیوه بهره‌برداری از ظرفیت‌های موجود اهمیت بیشتری دارد.

یکی از چالش‌های اساسی در عملکرد مناطق آزاد ایران، فاصله میان اهداف قانونی و واقعیت‌های اجرایی است. این مناطق قرار بود بستری برای کاهش موانع تجاری، جذب سرمایه‌گذاری و توسعه فعالیت‌های مولد باشند، اما در عمل، تعدد دستگاه‌های تصمیم‌گیر، تداخل وظایف، تغییر مکرر دستورالعمل‌ها و محدودیت اختیارات مدیریتی، بخشی از ظرفیت عملیاتی آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده است. سرمایه‌گذار برای آغاز یک فعالیت اقتصادی، بیش از آنکه به وعده معافیت یا امتیاز مالیاتی توجه کند، به امنیت حقوقی، امکان پیش‌بینی هزینه‌ها، سرعت دریافت مجوزها و اطمینان از استمرار سیاست‌ها نیاز دارد. هنگامی که یک فعال اقتصادی برای دریافت مجوز، تأمین زیرساخت، امور گمرکی و مسائل مالی با چندین مرجع مستقل مواجه می‌شود، مزیت اولیه منطقه آزاد به‌تدریج کاهش می‌یابد. در چنین فضایی، حتی مشوق‌های مالی قابل توجه نیز نمی‌توانند به‌تنهایی ریسک ناشی از بی‌ثباتی اداری و مقرراتی را جبران کنند.

مسئله مهم دیگر، ضرورت تفکیک میان تجارت مولد و فعالیت‌های صرفاً واسطه‌ای است. منطقه آزاد نباید به محلی برای واردات کالاهای مصرفی و توزیع آن‌ها در بازار داخلی محدود شود. چنین رویکردی ممکن است در کوتاه‌مدت حجم مبادلات را افزایش دهد، اما لزوماً به توسعه صنعتی، اشتغال پایدار، انتقال دانش فنی یا افزایش توان صادراتی کشور منجر نمی‌شود. مأموریت اصلی این مناطق باید ایجاد زنجیره ارزش باشد.

در این میان، موقعیت مناطق آزاد دریایی ایران اهمیت ویژه‌ای دارد. مناطقی مانند کیش، قشم، چابهار، اروند و انزلی، هر یک از ظرفیت‌های متفاوتی برای ایفای نقش در شبکه تجارت منطقه‌ای برخوردارند. قشم با قرار گرفتن در مجاورت تنگه هرمز و مسیرهای اصلی کشتیرانی، می‌تواند به مرکز خدمات دریایی، پشتیبانی ناوگان، تأمین تجهیزات، تعمیرات شناورها و توسعه صنایع مرتبط با دریا تبدیل شود. چابهار به دلیل دسترسی مستقیم به دریای عمان و قرار گرفتن خارج از محدوده خلیج فارس، ظرفیت مهمی برای توسعه ارتباطات تجاری با آسیای مرکزی، افغانستان، شبه‌قاره هند و بازارهای شرق آسیا دارد. منطقه آزاد اروند نیز با توجه به همجواری با عراق، دسترسی به آبراه اروندرود و نزدیکی به بازارهای جنوب این کشور، امکان توسعه تجارت مرزی، صنایع تبدیلی و خدمات حمل‌ونقل را در اختیار دارد. در شمال کشور نیز منطقه آزاد انزلی می‌تواند در پیوند با بنادر دریای خزر، مسیرهای تجاری قفقاز و کریدور بین‌المللی شمال-جنوب نقش‌آفرینی کند. این ظرفیت‌ها زمانی به نتیجه می‌رسند که مناطق مذکور به‌جای رقابت پراکنده و فعالیت‌های مشابه، در قالب یک تقسیم کار اقتصادی و تخصصی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند.

تجربه کشورهای منطقه نیز نشان می‌دهد که موفقیت مناطق آزاد بیش از هر چیز به کیفیت حکمرانی و پیوند میان سیاست‌گذاری و اجرا وابسته است. در امارات متحده عربی، منطقه آزاد جبل‌علی در کنار بندر و شبکه گسترده حمل‌ونقل، به بستری برای استقرار شرکت‌های تولیدی، بازرگانی و خدمات لجستیکی تبدیل شده است. در عمان نیز ایجاد مرجع متمرکز برای نظارت بر مناطق اقتصادی و آزاد، از جمله منطقه اقتصادی دقم و مناطق آزاد صحار و صلاله، با هدف یکپارچه‌سازی سیاست‌ها و تسهیل امور سرمایه‌گذاران دنبال شده است. این کشور در سال ۲۰۲۵ با تصویب قانون یکپارچه مناطق اقتصادی و آزاد، چارچوب حقوقی فعالیت این مناطق را بازنگری کرد و سازوکارهایی مانند تسهیل مالکیت خارجی و ایجاد پنجره واحد خدمات سرمایه‌گذاری را در دستور کار قرار داد.

از سوی دیگر، اصلاح ساختار حکمرانی مناطق آزاد باید با بازتعریف اختیارات سازمان‌های مسئول همراه باشد. سازمان هر منطقه باید در حوزه برنامه‌ریزی اقتصادی، توسعه زیرساخت‌ها، جذب سرمایه‌گذار، صدور مجوزهای مرتبط و مدیریت خدمات محلی از اختیار اجرایی کافی برخوردار باشد. تعدد مراکز تصمیم‌گیری، هنگامی که مسئولیت نهایی مشخص نیست، موجب کندی فرایندها و کاهش پاسخ‌گویی می‌شود. با این حال، تقویت اختیارات سازمان‌های مناطق آزاد به معنای حذف نظارت قانونی یا ایجاد ساختارهای خارج از چارچوب حاکمیت ملی نیست. نظارت مالی، گمرکی، زیست‌محیطی، امنیتی و مقابله با تخلفات اقتصادی باید با سازوکاری روشن و هماهنگ انجام شود. آنچه ضرورت دارد، تفکیک دقیق وظایف سیاست‌گذاری، نظارت و اجراست؛ به‌گونه‌ای که دستگاه‌های نظارتی وظایف قانونی خود را انجام دهند، اما مداخلات موازی و غیرضروری در امور اجرایی سرمایه‌گذاری و تولید به حداقل برسد.

در کنار اصلاحات نهادی، توسعه زیرساخت‌های ارتباطی و لجستیکی باید در اولویت قرار گیرد. هیچ منطقه آزادی بدون دسترسی مناسب به شبکه ریلی، جاده‌ای، بندری، فرودگاهی، انبارهای استاندارد و سامانه‌های هوشمند گمرکی نمی‌تواند به مرکز رقابتی تجارت تبدیل شود. اتصال مناطق آزاد به کریدورهای بین‌المللی، ایجاد پایانه‌های ترکیبی حمل‌ونقل، توسعه مراکز توزیع منطقه‌ای و تسهیل جابه‌جایی کالا میان بنادر و مراکز صنعتی، هزینه مبادلات را کاهش می‌دهد و جذابیت سرمایه‌گذاری را افزایش می‌بخشد. همچنین، دیجیتالی کردن فرایندهای اداری و گمرکی و ایجاد پنجره واحد واقعی برای سرمایه‌گذاران می‌تواند

موضوع تأمین مالی و جذب سرمایه نیز نیازمند بازنگری جدی است. اتکای بیش از اندازه مناطق آزاد به منابع محدود دولتی یا درآمدهای حاصل از واگذاری زمین، نمی‌تواند پشتوانه مناسبی برای توسعه بلندمدت باشد. باید زمینه مشارکت واقعی بخش خصوصی، سرمایه‌گذاران خارجی و شرکت‌های تخصصی در اجرای پروژه‌های زیربنایی فراهم شود. انتشار ابزارهای مالی متناسب با قوانین کشور، مشارکت عمومی و خصوصی، قراردادهای بلندمدت بهره‌برداری و استفاده از ظرفیت شرکت‌های دانش‌بنیان می‌تواند منابع جدیدی برای توسعه این مناطق ایجاد کند. در عین حال، جذب سرمایه خارجی باید با انتقال فناوری، افزایش سهم ساخت داخل، تربیت نیروی متخصص و توسعه صادرات همراه باشد تا منافع آن در اقتصاد ملی تثبیت شود.

نکته دیگری که نباید از نظر دور بماند، ضرورت ارزیابی عملکرد مناطق آزاد بر اساس شاخص‌های واقعی اقتصادی است. تعداد مجوزهای صادرشده، وسعت زمین‌های واگذارشده یا حجم واردات، به‌تنهایی معیار مناسبی برای سنجش موفقیت این مناطق نیستند.

در نتیجه، باید پذیرفت که مناطق آزاد زمانی به ابزار قدرت اقتصادی ایران تبدیل می‌شوند که از نگاه محدود درآمدی و اداری به آن‌ها عبور شود و نقششان در سیاست خارجی اقتصادی کشور مورد توجه قرار گیرد. توسعه تجارت با همسایگان، ایجاد وابستگی‌های متقابل اقتصادی، مشارکت در زنجیره‌های تأمین منطقه‌ای و تبدیل بنادر و گذرگاه‌های ایران به مسیرهای قابل اعتماد مبادله، می‌تواند جایگاه کشور را در معادلات اقتصادی منطقه تقویت کند. در شرایطی که رقابت بر سر مسیرهای ترانزیتی، بازارهای مصرف، منابع انرژی و مراکز توزیع کالا شدت گرفته است، ایران نمی‌تواند صرفاً به موقعیت جغرافیایی خود اتکا کند و از تحولات زیرساختی و تجاری پیرامونش فاصله داشته باشد.

مناطق آزاد باید از ساختارهایی با کارکرد عمدتاً اداری و محدود، به شبکه‌ای هماهنگ از مراکز تولید، تجارت، خدمات دریایی، ترانزیت و سرمایه‌گذاری تبدیل شوند. تحقق این هدف مستلزم اصلاح قوانین، یکپارچه‌سازی مدیریت، تضمین ثبات مقررات، توسعه زیرساخت‌ها و ایجاد پیوند واقعی میان اقتصاد مناطق آزاد و بازارهای بین‌المللی است. قدرت راهبردی زمانی ماندگار خواهد بود که بتواند در زندگی اقتصادی کشور، ظرفیت تولید، اشتغال و روابط تجاری آن بازتاب پیدا کند. از این منظر، مناطق آزاد نه جایگزین سیاست خارجی یا توان دفاعی، بلکه مکمل اقتصادی آن‌ها هستند؛ حلقه‌ای که می‌تواند موقعیت جغرافیایی ایران را به مزیت رقابتی، مزیت رقابتی را به ثروت ملی و روابط تجاری را به منافع مشترک و پایدار منطقه‌ای تبدیل کند.